

جوانان کمونیست ۸۶

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۲۹ فروردین ۸۲

۱۸ آپریل ۲۰۰۳

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



زنده باد شوراها در عراق

اراذل و اوباش تاریخ اکنون در عراق بر سر و کول هم میزنند تا "حلاء قدرت" ناشی از سقوط صدام را پر کنند. در راس همه ژنرال های آمریکایی و انگلیسی هستند. اینها جنگ را برده اند و نهایتا قدرت را در دست دارند، اما نمی توانند حکومت کنند! پس صفا از مرتجع ترین عناصر جامعه عراق، اسلامیت ها، ناسیونالیست ها (چه عرب، چه کرد و چه ترکمن)، ژنرالهای سابق صدام، شیوخ قبائل، تمام وابستگان و نوکران حکومت های ارتجاعی منطقه (ایران، ترکیه، عربستان سعودی) و خلاصه هرکسی که بلد است خون مردم را بشیبه کند، اختناق و سرکوب (یعنی نظم!) برقرار کند، به حرکت آمده تا یا در خدمت دمکراسی آمریکا در عراق در آید و یا در مخالفت خوانی علیه حضور آمریکا و انگلیس برای خود قدرتی دست و پا کند. اما در برابر این رقابت فضولات تاریخ کهن و معاصر بشر در عراق، یک نیروی عظیم هست. نیروی کارگران و مردم آزاده. میلیونها کارگر و کارمند جزء و معلم و زحمتکش. میلیونها زن به جان آمده از مردسالاری ریشه دار حاکم بر عراق. میلیونها محصل و دانشجو و جوان خواهان آزادی و رفاه. اینها با نفعی در حاکمیت هیچکدام از لاشخورهایی که به جان مردم عراق افتاده اند، ندارند. این نیرو هم اکنون به حرکت درآمده است. اعتراضات توده ای که در روزهای گذشته بویژه در بغداد شاهد آن بوده ایم، اعتراضاتی که خواست اصلی آن بازگشت مدنیت به جامعه و پایان دادن به اوضاع بلبشوی فعلی است، تنها انعکاسی از این نیروی عظیم است. این قدرتی است که باید خود را مستقل از اسلامیت ها و ناسیونالیست ها و نوکران نظم نوین و غیره، در انواع تشکل های توده ای و در وحله اول تشکل هایی برای اداره مستقیم امور در هر محله و شهر برپا میشود (شوراها) متشکل کند. به نظر میرسد این نیرو حتی گام های اولیه ای برای دخالت در اوضاع بر میدارد و دارد پاسخ خاص خود به "حلاء



قدرت" کنایی را ارائه میدهد. راجر هاردی تحلیلگر بی بی سی در امور خاورمیانه "ضمن شکایت از مشکلات آمریکا برای ایجاد یک دولت انتقالی عراقی" بعد از اشاره مواردی نظیر اینکه چطور گماردن یک ژنرال سابق صدام، و گویا "رئیس قبیله معتبر"، برای اداره بصره "با اعتراضاتی رویرو شده"، با لحن شکایت آمیزی میگوید: "در بغداد نیز، محله به محله و گاه خیابان به خیابان، چهره های گوناگون در تلاش برای پایان دادن به بی نظمی و برقراری نوعی کنترل محلی، در حال ظهور هستند." همینطور گزارش واشینگتن پست در چند روز پیش که میکوشد اینگونه تلاشهای خودجوش را یکراست به جیب مسجد و ملاها بریزد، بیانگر اینست که این حضرات از اعمال مستقیم اراده مردم، از حضور چپ و کارگر و انسانیت در صحنه عراق وحشت دارند.

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) خیابانها مال ماست!

معلمان، زنان، جوانان، مردم آزادیخواه!

اول ماه مه روز اعتراض علیه همه وجوه نابرابری، تبعیض و بی حقوقی است. در این روز همراه با کارگران به این نظام ناعادلانه اعتراض کنید، روز اول ماه مه را گرامی بدارید و به تجمعاتی که به این مناسبت برپا میشود پیوندید. زنده باد اول مه روز اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر

کارگران!

۱۱ اردیبهشت را به روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، به روز اعتراض علیه فقر و بیکاری و تبعیض، به روز اعتراض علیه حکومت اسلامی سرمایه داران تبدیل کنیم. هر چه وسیعتر به خیابانها بیاییم و فریاد بزنیم:

مرگ بر سرمایه داری
زنده باد آزادی، رفاه، برابری
مرگ بر تبعیض و نابرابری
کارگران جهان متحد شوید!

زنده باد آزادی بیان، تشکل، اعتصاب

حزب کمونیست کارگری ایران

جوانان و اول مه



جوانان کمونیست: اول ماه مه، روز جهانی کارگر، نزدیک میشود. اهمیت این روز برای جوانان چیست؟

بهرام مدرسی: این روز روز کارگر است. روز اعلام خواست جهانی است که در آن خبری از استشار، کارمندی و بالا و پایین نباشد. روز اعلام این امر است که اگر کارگران بخواهند میتوانند

بهرام مدرسی

دبیر سازمان جوانان کمونیست
صفحه ۲

آرش حمیدی: در دوران تعطیلات، جنگ آمریکا و عراق رخ داد که بین دانشجویان نیز مساله جنگ و حرفهای پیرامون آن دغدغه دانشجویان شده است. مخصوصا تأثیری که این جنگ بعد از تعطیلات سال نو چگونه است؟ بر شرایط منطقه و ایران دارد مورد بحث مشغله ها چیست، فضا چطور است؟ دانشجویان است. صفحه ۲

جنگ و دانشگاه! گفتگو با آرش حمیدی

جوانان کمونیست: اوضاع دانشگاهها بعد از تعطیلات سال نو چگونه است؟ بر شرایط منطقه و ایران دارد مورد بحث مشغله ها چیست، فضا چطور است؟ دانشجویان است. صفحه ۲

قاضی اسلام

در کانادا جایی ندارد

اینرا ما تضمین میکنیم



مصطفی صابر

دبیری است. همینقدر باید اشاره کرد که اوضاع ایران و عراق بسیار متفاوت است. وانگهی حتی در عراق هم تعویض رژیم پایان نیافته است، تازه شروع شده است. باید دید که مردم عراق و صفحه ۲

روبرت کجاست؟
صفحه ۴

نامه های شما
صفحه ۴

صریح و بی پرده مینویسیم!

نامه بهروز تهرانی
و پاسخ ما

رفیق گلچینی برایتان بی پرده و صریح می نویسم، فکر نمی کنم در کار مبارزه جایی برای تعارف باشد.

من بازهم به یکی از مطالبی که پیش از این مطرح کرده ام تاکید میکنم، به نظر من این حزب است که باید خود را با شرایط منطبق کند و استعداد رهبری جامعه را بیابد. بی شک حزب بر اساس خصلت ذاتی کمونیست بودن خویش باید از هوشمندی و سازماندهی بسیار بالاتر از سایر جریانات موسوم به اپوزیسیون برخوردار باشد و اگر حزب هم مانند سایر جریانات سیاسی برون مرزی گرفتار تهمات باشد مایه تانسف فراوان و مضاعفی خواهد بود. در حال حاضر دو مشکل اساسی در

برابر رشد جریان چپ و مبارزات کمونیستی در ایران به نظر من میرسد. یکی همان ایزوله بودن (در) جامعه در طی این سالها و عدم آشنایی نسل جوان با کمونیسم به عنوان راه مبارزه رهایی بخش و دیگری سایه سالها تبلیغات منفی و مسموم راست ها بر علیه کمونیسم.

شما از من پرسیده بودی که چه باید کرد، به نظر من اولین گام و مهمترین کاری که میتوان کرد این است که نشان بدیم کمونیسم نمرده است، بلکه زنده و پویا و حاضر در صحنه است. حالا این کار را چطور میتوان کرد؟ آیا ما باید از مردم انتظار داشته باشیم که بیایند و ما را پیدا کنند و پیوندند؟ من جاهای خالی زیادی برای فعالیت یک حزب کمونیستی می بینم. جوان ایرانی امروز دسترسی گسترده ای به صفحه ۳

آزادی، برابری حکومت کارگری!

چرخها را از حرکت باز دارند. روز نشان دادن قدرت طبقه کارگر بعنوان اکثریت جامعه است، روزی است که در آن دادخواهی انسان آزادیخواه و برابری طلب علیه جامعه سرمایه‌داری، چه در لباس اسلامی و چه به طاعتی و یا هر لباس دیگر، در مقابله جامعه قرار می‌گیرد و درست به همین دلیل از اهمیت بسیار زیادی برای جوانان در ایران باید برخوردار باشد.

بسیاری جوانان فرزندان همین طبقه کارگرد و بطور کلی اغلب جوانان در ایران جزو تهیدستترین اقشار جامعه هستند. بیکاری و اگر شانس بیابیم کار شاق با مزد کم سرنوشت و "آینده" درسد بسیار بالایی از جوانان است. جنبش و اعتراض جوانان به تنهایی نمیتواند دادخواهی خود علیه این نظام ظلم و استثمار را در مقابل جامعه قرار دهد. این جنبش اما از طریق همایش با جنبش کارگری میتواند به تقویت این اعلام جرم علیه نظام سرمایه‌داری کمک کند. این روز به نظر من باید مورد توجه تمام جوانان و بخصوص جوانان چپ و کمونیست قرار گیرد.

جوانان کمونیست: جوانان چگونگی میتوانند با این اعتراض همراه شوند؟ فراخوان شما چیست؟

پروام مدرسی: شرکت فعال در جشنها و تظاهراتهای این روز حداقل کاری است که هر فرد یا محفل و جمعی میتواند

انجام دهد. در این اعتراضات باید شعارهای اصلی جنبش کارگری علیه سرمایه‌داری، چه اسلامی و چه غیر اسلامی را تقویت کنیم. شعارهایی مثل: مرگ بر سرمایه‌داری، زنده‌باد آزادی، رفاه، برابری، مرگ بر تبعیض و نابرابری، کارگران جهان متحد شوید و یا شعار زنده باد آزادی بیان، تشکل و اعتصاب را سر دهیم. سعی کنیم بینیم که کارگران مخالف رژیم، مخالفان خانه‌کارگر در کجا جمعه میشوند و ما هم به آنجا برویم. سعی کنیم که تعداد هر چه بیشتری از دوستان و هم محله‌های همیمان را تشویق کنیم که با هم در این تظاهرات شرکت کنیم.

ابتکارات زیادی میشود انجام داد. در پارکها به جشن و پایکوبی بپردازیم. سعی کنیم که تریبونهای برای بحث آزاد پیدا کنیم و آنجا در مورد اوضاع سیاسی بحث و تبادل نظر کنیم.

جوانان کمونیست: آیا وظایف مشخصتری را برای جوانان و دانشجویان کمونیست برمی‌شمرید؟
پروام مدرسی: سازمان دادن همان نکاتی که در سوال قبلتان به آنها اشاره کردم یکی از اصلترین کارهای این رفقا خواهد بود. در کنار این پخش وسیع اطلاعاتیهای سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری ایران در این مراسمها، تراکتهای حزب و شناساندن هرچه بیشتر حزب به مردم و کارگران، شعار نویسی و آویزان کردن پلاکاردهایی در مراکز عمومی شهر با طرح شعارهایی که در سوال قبل به آنها پرداختم، و گزارش منظم و سریع این مراسمها به ما، به نظر من اهم وظایفی است که این دوستان دارند.

اینها "عبور" میکنند و کردند و در نتیجه "بال دیگر" نظام لازم آمد دست بالا را بگیرد. حتی در سایه تهدید نظامی وحشتناک آمریکا نیز بعید است که این حضرات بتوانند دوباره میدانی بدست آورند. چرا که فی الواقع دشمن جمهوری اسلامی آمریکا نیست. آمریکا نشان داده است که دنبال منافع خودش است و هر کجا جمهوری اسلامی با او راه بیاید دشمن حاضر است با آن کنار بیاید. دشمن جمهوری اسلامی مردم اند. مردم ایران. پروژه نجات آن هم در واقع پروژه نجات آن به حکم مبارزه مردم یک پروژه شکست خورده است. حتی آمریکا با تهدید حمله نظامی و ارباب مردم قادر نیست این پروژه را دوباره زنده کند. اشکال دوم این خیالات جدید مساله کهنه آمریکا و رابطه با آمریکا در هويت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نمی تواند آمریکایی بشود، حتی با آمریکا مدارا کند و مطابق میل او رفتار کند و هنوز جمهوری اسلامی باقی بماند. دعوایهای درون جمهوری اسلامی حول رابطه با آمریکا جلی است. ضد آمریکاجاری و ضد غربگرایی یک رکن ایدئولوژیک رژیم اسلامی است. نمی توان انتظار داشت چرخیدن بسوی آمریکا بدون کشاکش های حاد درونی بین "پالهای نظام" صورت گیرد. کشاکشی که در هر قدم آن کودتا و فریبش و مهتر از همه به میدان آمدن مردم به کمین رژیم اسلامی نشسته است.

و بالاخره اینکه اگر جمهوری اسلامی بسوی سیاست های دوم خردادی بچرخد، این کار را زیر چتر رهبر و مجمع تشخیص مصلحتش انجام خواهد داد. دوره خاتمی بازی و آشکها و لبخندها" و گل یاس" منتهاست که برای جمهوری

جنگ و دانشگاه! گفتگو با آرش حمیدی

از صفحه ۸

جوانان کمونیست: جزئیات مباحث مربوط به جنگ علیه عراق، سقوط صدام، اوضاع عراق پس از صدام در بین دانشجویان چیست؟

آرش حمیدی: در مورد جزئیات جنگ مهمترین چیزی که برای همه دانشجویان جالب می نماید، سقوط بسیار سریع حکومت بغداد است که همه را به این مظنون ساخته است که شاید از قبل توافقهایی در این جهت بین آمریکا و ایران و عراق رخ داده باشد. همچنین نوع سلاحهای آمریکایی نظیر بمبهای ده تنی و انواع هواپیماهای آمریکایی و شکست سریع عراق طبعاً باعث شده است که قدرت آمریکا بیش از پیش به چشم آید و در مورد قدرت نظامی سهمگین آمریکا ملام صحبت میشود. دانشجویان با تردید به اوضاع عراق پس از جنگ نگاه میکنند و تحولات عراق را دنبال میکنند.

جوانان کمونیست: در مورد آمریکا و نقش آن در تحولات اخیر و در سطح جهان چطور فکر میکنند؟

آرش حمیدی: دانشجویان عموماً فکر میکنند که تحرکات نظامی آمریکا برای اثبات قدرت خویش به عنوان تنها ابرقدرت به مردم جهان و مخصوصاً رقبای خویش در اروپا و گریز از بحرانهای اقتصادی و ترسیم نقشه سیاسی دیگری برای منطقه خاورمیانه است و قضایای عراق را در کنار حل مساله فلسطین قرار میدهند. البته دانشجویان چپ و کمونیست بیشتر این جنگ را "بازار کشایی" میدانند و بر این باورند که آمریکا جنگ را برای گسترش بازارهای جهانی و استفاده از مواد خامی نظیر نفت انجام میدهد. تجربه هم نشان داده است که تاکنون تمامی جنگهای این چند سال آمریکا و تهدیداتش علیه کشورهایی بوده است که هنوز وارد این بازار جهانی نشده اند و به سیاستهای بانک جهانی کردن نهنده اند. من فکر میکنم هیچ دانشجویی نیست که بر این باور باشد که این جنگ برای بسط و صادرات "دمکراسی" و رفع خطر تروریسم صورت گرفته باشد. دانشجویان زیادی هستند که با شوخی می پرسند که پس این سلاحهای شیمیایی صدام که قرار بود پیدا کنند و از بین ببرند کجاست؟

جوانان کمونیست: چقدر این امید هست که آمریکا بیاید ایران را از دست رژیم اسلامی نجات بدهد؟ چه تلقی نسبت به تبلیغات حول این ناجی بودن آمریکا هست؟

آرش حمیدی: طبعاً بخشهایی از جامعه ایران ممکن است نسبت به این جنگ و تحولات آن متوهم شده باشند و نورانیت "امام زمان" را در چهره پوش ببینند. در میان جمعی از دانشجویان نیز

اسلامی هم سپری شده است. به عبارت دیگر بهترین شانس دوم خرداد در صحنه سیاست هنوز همان است که سعید حجاریان بعد از شکست دوم خرداد مطرح کرد: مشروطه طلبی در قبال ولی فقیه. یعنی همان وضعی که هم اکنون دارند! از خوابهای مسخره که بگذریم، بی شک جمهوری اسلامی با سقوط صدام و فشارهای آمریکا و وحشت از اعتراضات

این توهم هست. اما دسته دیگر عدد گسترده ای هستند که به خوبی آثار وحشتناک این جنگ را مشاهده کردند و به هیچ وجه از بمب ده تنی خوششان نمی آید و نمی خواهند که در طول ۱۵ روز تمامی صنایع و زیرساخت های کشور نابود شود و ایران به نقطه صفر بازگردد. مشخصاً این گروه دوست ندارد که سرنوشت کشورهای نظیر ایران و عراق دوباره به دست یک مشت مرتجع و سرمایه دار و ناسیونالیست بیفتد. دسته ای هم هستند که تحولات عراق را به شدت تعقیب میکنند و در مورد نتیجه این جنگ "مردد" هستند و نمی دانند اوضاع به کدام سو می رود. من فکر میکنم اکثریت با این دسته سوم است که تحولات را دنبال میکنند و نهایتاً به یکی از دو تحلیل اول یا دوم میرسند. منتهی به نظر میرسد با شروع درگیریهای ناسیونالیستی و مذهبی و نژادی و نیز نامنی و هرج و مرج حاکم بر عراق روز به روز تعداد کسانی که به مخالفان جنگ می پیوندند زیاد میشود. به عبارت دیگر سناریوی سیاه نوشته شده برای مردم عراق روز به روز شفاف تر نمایان میشود.

جوانان کمونیست: چقدر ضد آمریکایی گری ناسیونالیستی و جهاسومی در بین دانشجویان ریشه دارد؟

آرش حمیدی: من فکر میکنم جریانات ناسیونالیستی اساساً در ایران بیش از پیش تضعیف شده اند. مخصوصاً بین نسل جدید ناسیونالیسم و وطن پرستی دیگر جذابیتهی ندارد. برای جوانان یک زندگی بهتر و آزادتر و مرفه تر دغدغه اصلی است. دانشجویان امروز برای وطن و "مرز پر گهر" هیچ ارزشی قائل نیستند. انتقاداتی نیز که علیه جنگ میشود به هیچ وجه جنبه ناسیونالیستی و مذهبی ندارد. بلکه این اعتراضات ریشه در انساندوستی دانشجویان دارد که هیچ مرزی نمی شناسد. مخصوصاً اینکه به نظر من روز به روز چهره کریه ناسیونالیسم در حمایت از جنگ مشخص تر خواهد شد و قدرت تخریبی ناسیونالیسم در نابودی انسانها و توحش آن خود را نمایانتر خواهد ساخت.

جوانان کمونیست: به جز جنگ و اوضاع عراق چه مسائلی مطرح است؟
آرش حمیدی: مساله که به جز جنگ مطرح است نحوه اعتراضات دانشجویی است. به خصوص اینکه ۱۸ تیر را در پیش داریم و در آن میتوان توازن قوا را سنجید. اینجاست که وظیفه دانشجویان کمونیست در طراحی و رهبری اعتراضات ۱۸ تیر و برنامه ریزی آن از همین روزها سنگینتر میشود. رهبری هر اعتراض دانشجویی باید به دست دانشجویان کمونیست بیفتند که به نظر من کاملاً "شدنی" است.

جوانان کمونیست: کلا بعد از تظاهراتهای آذر ماه توازن قوا در دانشگاه چطور بوده است؟ بین رژیم و دانشجویان و بین جریانات مختلف در دانشگاه، مشخصاً وضعیت چپ؟

مردم در ایران بر خود می‌لرزد. بی شک سران رژیم اسلامی کوشش خواهند کرد، خود را با وضعیت جدید انطباق بدهند. همین "دو بال بازی" را ادامه دهند و وقت بخزند و در انتظار بنشینند تا شاید "امام زمان" فرجی حاصل کند. این البته اصلاً از جانب مردم پذیرفته نخواهد شد. جمهوری اسلامی باید برود. این حکمی بود که قبلاً صادر شده بود. حالا

آرش حمیدی: وجهه بارز اعتراضات آذر ماه به نظر من رادیکال تر شدن مبارزات دانشجویی بود. شعار جالب "مرگ بر اصلاحات" به نظر من سوت پایان اصلاحات بود که نتایج خودش را در انتخابات شوراها در ۹ اسفند به خوبی نشان داد. حال آنکه نتایج انتخابات بی اعتباری جریانات ملی را نیز مشخص تر ساخت که در دانشگاه هم کاملاً مشخص است. به نظر میرسد که این روند ادامه دارد. امروز شاید جالب باشد که بدانید انجمن های اسلامی از هر دو طیف (شیراز و علامه) درشان تخته شده است و حرفشان هیچ خریداری ندارد. امروز کسی در دانشگاه جرئت صحبت کردن از اصلاحات و خاتمی را ندارد و در صورت بیان این مطالب با تمسخر دانشجویان مواجه میشود.

اما در مورد وضعیت کمونیستها: کمونیست ساخته و پرداخته ذهن مارکس و انگلس نیست. بلکه برآمده از شرایط سرمایه داری است که به استثمار کارگر و بیگانگی انسانهای می انجامد و تضاد بین سرمایه دار و کارگر را رقم میزند. قطعاً کشوری مانند ایران با اینهمه سربوک و تضاد محیط رشد کمونیسم است. شاید ۴ ماه پیش نشانی از کمونیست ها در دانشگاه نبود، اما به نظر من اوضاع در حال تغییر به نفع ماست و روز به روز تعداد کمونیستها اضافه میشود. کمونیست ها به خاطر اینکه حقیقت را میگویند و رادیکالترین و انسانی ترین مطالبات جامعه را نمایندگی میکنند به نظر من میتوانند در دانشگاه تبدیل به جریانات غالب شوند. البته این بستگی به همت و جدیت کلیت جریانات کمونیستی دارد که به طور جلی وارد درگیری های سیاسی و اجتماعی شوند و حتماً با پرچم و شعارها و خواستهای متمایز کننده شان از سایر جریانات وارد عرصه مبارزه شوند، به طوری که به عنوان یک کمونیست مشخص باشند. ما نباید در جریانات دیگر گروه ها حل شویم بلکه باید همواره مرزهایمان مشخص باشد.

جوانان کمونیست: آیا فکر میکنید زمینه برای شکل گیری اعتراضات دانشجویی مهیاست؟ چه باید کرد؟

آرش حمیدی: ایران یک سرمایه داری ورشکسته است که از گردونه اقتصاد جهانی خارج است. هر کشوری مانند ایران قطعاً محیطی مساعد برای اعتراض است. مهمترین چیزی که کمر رژیم اسلامی را شکسته و بحران آن را عمیق تر می سازد این است که "رژیم سرمایه داری اسلامی" از حل مشکلات اقتصادی برنی آید. ما پس از رکود دوران تعطیلات بلافاصله اعتراضات کارگران چیت سازی بهشهر را داشتیم که دلگرم کننده بود. من فکر میکنم دانشگاه هم آماده اعتراضات است. وظیفه ما این است که اعتراضات دانشجویان و کارگران و معلمان را بهم جوش دهیم و به آن رنگ سرخ کمونیستی بزنیم.

سرنوشت وحشتناک و اسفبار مردم عراق صدبار بیشتر بر آن تاکید میکند. مطمئن ترین راه نجات از تهدیدات آمریکا اینست که مردم هر چه زودتر شر رژیم اسلامی را کم کنند و خود قدرت را بدست بگیرند و جامعه ای آزاد و برابر و ملن را بر پا کنند. جامعه ای که مورد حمایت بشریت آزادیخواه جهان قرار خواهد گرفت.

از صفحه ۸

صریح و بی پرده مینویسم!

اینترنت دارد، بلاگ است، اتاق های گفتگویی یاگو، سایت های پر خواننده فارسی و... جاهایی است که روزانه ده ها هزار جوان ایرانی به آن ها مراجعه میکنند. مثلا ایجاد اتاق گفتگو در یاگو با موضوع کمونیسم در یک ساعت خاص میتواند بسیار موثر و اثر گذار باشد. من با ارسال نامه و نوشته هایم برای سایت ها و اشخاص از مدیران تلویزیون گرفته تا شاهزاده پهلوی کوشیده ام که این فریاد بلند کمونیسم را بگوشان برسانم... (و بعد توضیح میدهند که چگونه مقلای ایشان در مورد چپ و کمونیسم در یکی از سایتها با استقبال روبرو شده است.)

اینها که گفتم بیشتر مربوط به آن چیزی بود که کلا من به آن جریان چپ می گویم. از نظر من جریان چپ کل آن گروهها و اشخاصی است که با آرمان سوسیالیستی مبارزه میکنند. باید بگویم که من در این میان حزب کمونیست کارگری را منسجم تر و مستعد تر می بینم. یک ملیت خیلی خیلی مهم پرهیز از ایجاد حساسیت های بیمورد و یا دکماتیسم است. مثلا رفیق جوادی در بحثی در یک برنامه تلویزیونی در کانال یک گفتند که "ما در خانه مان نوروز را برگزار نمی کنیم و نورز از نظر من اهمیتی ندارد." خوب هرچند این فرحشان هرچند من هم در دستم و اصولی است ولی بسیار تأثیری بد و منفی بر روی مردم بر جا گذاشت و همان موقع هم تلقن های زیادی شد. یا آن مسائل را ما هم در اینجا نمی توانیم در شرایط حاضر مطرح کنیم و یا آن دفاع کنیم. مردم رژیم آخوند ها در درجه اول اشغالگر و ضد ملی میدانند و به سبب ضدیت ارتجاعی آن ها با ملت ایرانی بسیار بر روی مسائل ملی حساس و دارای حالت انفعالی هستند. یا مثلا من یک به بار برنامه رادیو اینترناسیونال گوش می کردم که با دو دختر جوان مصاحبه میکردند، به نحو بدنی این مصاحبه کلیشه ای و دیکته شدن مطالب به این افراد آشکار بود. خوب این کار به نظر من هیچ اثر مثبتی که ندارد موجب میشود که امثال من هم هرگز وقت خودشان را برای گوش کردن به این رادیو نگذارند. به نظر من در این شرایط دو استفاده خیلی مهم از ابزارهای ارتباطی حزب با داخل می توان کرد. یکی ارایه تعلیمات ساده و قابل فهم اصول کمونیسم و دیگر نشان دادن روح آزاد منش و انسان گرای کمونیسم به مردم است. مردم ایران به اندازه کافی در طول صد سال گذشته دستگامهای تبلیغات دروغ پرداز را تجربه کرده اند و امروز تشنه ی راستی و آزادی هستند و هوشمندی حزب میتواند در پیدا کردن همین نقطه های حساس و نکات ریز مورد توجه مردم باشد.

من در باره حزب نکاتی را پیش از این به ... هم گفته ام که تکرار میکنم، یکی از این مطالب سایه کاریزمای رفیق حکمت است. من از روایت حاکم بر حزب اطلاعاتی ندارم ولی آن طور که می بینم کاریزمای رفیق حکمت سایه سنگینی بر حزب دارد! نمی دانم چرا امور ما بدون کارنامه نمی گذرد. من مطالعه گوشه هایی از آثار رفیق حکمت دیدم که ایشان همواره سایر جریانها و گرایشات چپ را محکوم کرده اند، ایشان را مبارزات چریکی تا سوسیال دمکراسی را یکسره رد میکنند. به نظر شخصی من نفی ریشه و سابقه یک جریان کمکی به رشد آن نمی کند. آیا اگر حزب کمونیست کارگری هم اینطور نگاه بشود آیا نمیتوان این حزب را محکوم و مرود کرد؟ یک بحث دیگر که اینجا به نظر من میرسد این بحث حزب است که جامعه ایران را یک جامعه صنعتی میداند، برای من خیلی جالب است و علامتقدر هسته که دلایل حزب را برای این استدلال بدانم. (و بعد توضیح میدهند که بطور در اطراف یکی از شهرهای درجه ۲ و یا شاید درجه ۳ کشور به روستاهای بسیار فقیر برخورد کردند و بیشتر مردمی های اطراف روستا زمینهای کشاورزی است و جز یک کارخانه جدیدالتاسیس هیچ نوع کارخانه و کارگاهی نمی بینی و غیره.)

راستش را بخواهید من نظریات مارکس را بسیار محکم و درست میدانم، با این حال فکر میکنم که شاید لازم باشد بر اساس همین نگاه جامعه شناسانه مسائل و شرایط محلی و بومی را نیز در راهکارها در نظر بگیریم. و این پرسش همیشه در ذهن من بوده است، ارتباط افراد غیر وابسته به طبقه کارگر با مبارزات کمونیستی است. مثلا من می بینم رابطه با طبقه کارگر کدام چه نقش و چه جایگاهی در این مبارزه می تواند داشته باشم؟ اعضای حزب در حال حاضر چه ارتباطی با طبقه کارگر دارند؟ و دلیل تأکید رفیق حکمت و حزب بر کمونیسم کارگری چیست؟ به نظر من کارگری بودن در ذات کمونیسم نهفته و این که رفیق حکمت میگویی هیچ کمونیسم غیر کارگری نمی تواند وجود داشته باشد به نظر من امری بدیهی است و این تأکید بر کلمه کارگری به نظر من میتواند ایجاد یک نوع بیکانگی میان افراد غیر وابسته به طبقه کارگر با حزب بکند.

یک مطلب دیگر در مورد عضویت در حزب است، میخواهم بدانم که عضویت در حزب به چه صورت است، مثلا اگر من عضو حزب بشوم چه شرایطی پیدا میکنم؟

(سپس پیشنهادها را در زمینه سازماندهی مطرح کرده اند، که جای دیگر به آن خواهیم پرداخت.) من را بیشخنده که اینگونه صریح و بی پرده نوشتم، من همواره یک کمونیست بوده و هستم، کمونیسم برای من به مفهوم نهایت آزادی و برای انسان است. هیچ حزب و آرمایی نمی تواند موجب آن شود که من چشم و گوشم را ببندم! همانطور که هوادار و فعال خستگی ناپذیری میتوانم باشم، منتقد و مخالف سرسختی هم ممکن است بشوم... (توضیحاتی در مورد فعالیت شان دادند.)

رفیق گلچینی! ا من به خوبی میدانم که فعالیت های مبارزاتی منفرد و رابطه من با حزب مسئولیت بسیار سنگینی برای من ایجاد میکند همچنین میدانم که من و همه جوانان این کشور چاره ای جز مبارزه نداریم و خوب میدانم که روزی که گرفتار شوم مرگ در انتظار من خواهد بود و به لحظه ای فکر میکنم که فتنگ ها به سمت من نشانه رفته اند، میخواهم آندکم مطمئن و آگاد نسبت به راهم باشم که آن جا و در آن لحظه پایم نلرزد. **پهروز.**

پهروز عزیز، از نامه شما صمیمانه شما ممنون. اسد گلچینی این نامه را در اختیار جوانان کمونیست گذاشت تا به آن پاسخ بدیم. اجازه بدید به بطور فشرده

نکاتی را مطرح کنم.

— در مورد کسب «استعداد رهبری جامعه» توسط حزب، با شما موافقم. و این بحث سابقا طرح شده ای در بین ماست: بزرگترین خطری که میتواند حزب ما و کمونیسم را در ایران تهدید کند، قبل از همه اینست که حزب و رهبرانش خود را موقعیت رهبر جامعه ببینند و در آن موقعیت قرار ندهند. این، از جمله در «آیا کمونیسم در ایران میتواند پیروز شود» (سخنرانی منصور حکمت) بطور مشخص و صریحی بحث میشود. همینطور در مقاله "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" نوشته منصور حکمت، مبابی و مؤلفه های اصلی دست بردن به مکاتیبی های واقعی جامعه توسط حزب بر شمرده میشود. (در پرازنر بگویم: نکته ای که خوست بیشتر توضیح دهید توجهات جریانات برون مرزی" و رابطه اش با ماست.)

— در مشکل اساسی که در برابر رشد کمونیسم بر میشوید، گرچه موانع جدی در برابر کمونیسم هستند. اما مشکل اصلی نیستند. این ها تبلیغاتی هستند که مخالفین ما بر آن تأکید دارند: «آقا کمونیسم مردن»، کسی دنبال کمونیسم نمی رود» و غیره. مشکل اصلی کمونیسم و رشد آن چیز دیگری است. این است که از تمام عقاید و افکار و عادات و رفتار کمونیست های غیر کارگری که سالها بر کمونیستها سلطه داشته اند باید رها شد و فی الواقع، به مثابه کمونیسم کارگری، یعنی جریانی بشدت آزادیخواه، برابری طلب، دخالتگر، مدعی قدرت سیاسی و تغییر سرنوشت بشر و در عین حال بشدت با روی زمین عمل کرد. بحث بر پراتیک کردن کمونیسم است. به هر درجه که ما توانسته ایم به مثابه جریان سیاسی و دخالتگر و در عین حال عمیقآ آرمانگرا و کمونیستی عمل کنیم، آن «دو مشکل اساسی» را کنار زده ایم. خود عروج حزب کمونیست کارگری در طی چند سال گذشته شاهد این ادعاست. همینطور پارگرافی که در مورد کار از طریق اینترنت نوشته اید اتفاقا در تأیید همین بحث بالا، البته در یک محدوده معین است.

— در مورد نوروز به یکی دو نکته توجه کنید: اولا باید حقیقت را گفت. منهم در خانه ام هفت سین نمی کارام و آداب و مراسم آترا به جا نمی آورم. اما آیا این به معنی مخالفت با نوروز است؟ بهیچ وجه. ما قبلا گفته ایم که ما مخالف سیاسی و ایدئولوژیک کردن نوروز هستیم. نوروز جشن مردم برای سال جدید است که جای خودش را دارد. بنگار تا میتوانیم شاد باشیم و برقصیم و بنوشیم. اما تبدیل کردن نوروز به اهرم ایدئولوژیک و پشت جشن سال نو افکار و عقاید ناسیونالیستی را قائم کردن دیگر ربطی به جشن ندارد. یک کمپین تبلیغاتی سیاسی ایدئولوژیک معین است که باید پرده از آن برداشت. روی دیگر سکه "نوروز حرام و مال گبرها" ی جمهوری اسلامی همین تلقیات ناسیونالیستی عقب مانده از نوروز است که اتفاقا باید نوروز را از شر همه آن رها کرد. (بقول کوروش مدرسی "بیچاره نوروز!") این موضع را باید با صراحت و روشنی به همه مردم اعلام کرد.

— اگر مردم ایران جمهوری اسلامی را بقول شما بخاطر "دشمنی با ملیت ایرانی" خوش نارند، که جالب نیست. از چاله مذهب به چاله ناسیونالیسم؟ فکر نمی کنم اینطور باشد، ولی اگر هم باشد باید جدا عموش کرد. این تبلیغات سلطنت طلبان و ناسیونالیسمی هاست که سعی میکنند مخالفت مردم با جمهوری اسلامی را به کیسه ناسیونالیسمی بریزند. مردم ایران جمهوری اسلامی را بخاطر خیلی جنبه های ضد انسانی اش دوست ندارند. بخاطر حجاب و رفتار و ششپانه اش با زنان، بخاطر اختناق اسلامی، بخاطر دخالت مذهب در زندگی خصوصی و غیره. اتفاقا جمهوری اسلامی یک پایه اش همان "ملیت ایرانی" است. هر روز دارند دم از "منافع ملی" میزنند و شتت سال "جنگ جنگ" کردند تا ایرانیت" را در کنار اسلامیت" حفظ کنند. در واقع ناسیونالیسم پورغریی (سلطنت طلب) و جنبش ملی اسلامی (جمهوری اسلامی) بر سر تعیین هویت "ملیت ایرانی" دعوا دارند. یکی میخواهد وجهه اسلامی و "دیانت" را در این هویت "ایرانی" مورد تأکید قرار دهد، دیگری میخواهد نیز "۷ هزار ساله تمدن" و "عهد داریوش و کوروش" خط بکشد. اینها افسانه است. "هویت ملی" چیزی جز منافع بورژوازی که به نام "ملیت" به خورد مردم داده میشود نیست. مردمی که امروز در ایران زندگی میکنند از لحاظ فرهنگ و جهان نگری و توقعات از زندگی یک میلیون پار نزدیکتر به همونعان معاصر فرانسوی، ایانی و مکزیکی خود هستند تا به آخوندهای ها که با بدتر کوروش و داریوش (که روسای اتحادیه قبائل باستانی در مرحله تشکیل دولت بودند). بهر حال نباید در صورت مساله دعوی ناسیونالیستها شریک شد. باید هر دو طرف را بشدت افشا کرد.

— برنامه مورد نظر شما را گوش نداده ام. اگر آدرسش را بدید گوش میدهم. بعنوان کسی که از نزدیک با رادیو کار کرده ام، باید بگویم در رادیو هرکس نظر خودش را میگوید. البته در شکل تبلیغات و ژورنالیسم هنوز میتوان خیلی بهتر شد.

— در مورد کاریزمای منصور حکمت: هر جریان و حزب سیاسی که واقعا بخواهد قدرت را بگیرد و فرقه ای در حاشیه سیاست نباشد احتیاج به لیدر و رهبر و اتفاقا شخصیت های کاریزماتیک دارد. بویژه در دنیای امروز کسی به بیابنه "پولیت برو" فالان سکت دست چپ واقعی نخواهد گذاشت. باید آدم زنده را ببینند و به او باور کنند. منصور حکمت تا وقتی بود چنین نقش رهبری کردی ای در داخل و بیرون حزب داشت. ولی منصور حکمت چیزی بیش از این بود، یا صحیح تر، هست. او رهبر فکری این حزب و جنبش کمونیسم کارگری است. نمی شود کمونیسم کارگری یکی همان کمونیسم مارکس را بعنوان عمیق ترین نقد بشر بر مناسبات برده وار حاکم مطرح کنیم، ولی ما هنوز حکمت و مارکس را بنامویم. این یک تعهد اخلاقی و یک رعایت کپی رایت" نیست، یک ضرورت سیاسی است. برای رهایی جامعه باید این کار را کرد. اگر بخش وسیعی از مردم به اندازه من و شما منصور حکمت و مارکس را خوانند و میشناختند، الان خیلی مشکلات پارتنی حل میشد. عبارت "چرا امور ما بدون کاریزمای نمی گذرد"، به نظر میسرد دارد این بدیهیات. مکاتیب مبارزه بر سر قدرت سیاسی و مشخصه عینی جنبش های سیاسی را نادید میگرد. — ما هیچ قربان ویژه ای بین خودمان و چپ های دیگر از سوسیال دمکراسی تا چپ پوپولیستی و ناسیونالیستی جهان سوم تا چپ نو و تروتسکیسم و غیره نمی بینیم. ما همه اینها را ضدی های مختلف کمونیسم و سوسیالیسم غیر کارگری میدانیم که اعتراضشان به دنیا محدود (و حتی گاه ارتجاعی) است و نقش شان در نهایت دفاع از یک نوع سرمایه داری در برابر نوع دیگری است. ما با اینها خویشاوندی نداریم، دعوی فرقه ای هم نداریم. مثل دیگر جریانات بورژوایی به فراخور حالشان به آنها میبیزدیم. در بیشتر مواقع هم،

۲۹ فروردین ۸۲

بویژه در چهارچوب این فی الواقع نقش تعیین کننده ای ندارند و ما وقتمان را صرف کلنجار رفتن با ایران نمی کنیم. معمولا آنها با ما دعوا دارند، وگرنه ما مشغول دعواهای اساسی تر با گرایشات اصلی بورژوایی نفتی ناسیونالیسم، گرایشات ارتجاعی مذهبی، لیبرالیسم و غیره هستیم. (به تفاوتهای ما" اثر منصور حکمت رجوع کنید). باید تأکید کنم که ما در عین حال به "جنبش کمونیست کارگری" قائل هستیم. حزب ما فقط بخش بسیار کوچکی از این جنبش است. در جنبش ما البته سایه روشن ها وجود دارد اما مشترکاتی هم عمومیت دارد. احترام به انسان، شدیدا آزادیخواه بودن، نفعی در استثمار و بهره کشی ناشتن، تعلقی به مذهب و ناسیونالیسم و مردسالاری و ارتجاعی ناشتن، مدرن بودن و غیره، خواص عام جنبش ماست. کسانی مثل خود شما و حتی کسانی که به اندازه شما خود را به حزب نزدیک بینند، یا حتی خود را مارکسیست ناندان اما به جنبش ما تعلق داشته باشند، بسیار زیادند.

— کمونیسم کارگری، در مقابل و برای تفکیک از کمونیسم بورژوایی (روسی، چینی و غیره) که دهها سال در سراسر جهان به اسم کمونیسم شناخته میشد، مطرح شده است. انتخاب این نام ریشه های تاریخی سیاسی جدی دارد که از بحث تا اینجا میگذریم و شما را به "سینار اول کمونیسم کارگری" در جلد شش آثار منصور حکمت رجوع میدهم. اگر ما اسم خودمان را "حزب سبز همگان" و یا هر چه میگذاشتیم، اما همین حرفهای امروز را میزیدیم و همین سیاست های امروز را اتخاذ میکردیم، فورا به ما میگفتند اینها کمونیست های دو آتسه مارکسی و کارگری هستند که میخواهند حکومت بلشویکی بیابورد که فقط اسشان را عوض کرده اند. (آنوقت حق داشتند که حتی ما را به پنهانکاری هم متهم بکنند). میخواهم بگویم دعوا فی الواقع سر اسم نیست، سر مضمون سیاسی یک جریان است. اگر تروان کمونیسم را (و امروز مشخصا کمونیسم کارگری) را تحت نام خودش مطرح کرد، متشکل کرد و بقدرت رساند، باور کنید تحت نام دیگر ابنا ممکن نیست. تا آنجا که به صفت کارگری برمیکردد ممکن است در برخی محافل تحصیلردگان

حساسیت ایجاد کند، اما برای اکثریت عظیم جامعه (کارکر و زحمتکش) اتفاقا صفت جذابی است. با اینحال، توده های عظیم مردم (چه کارگر و چه غیر کارگر) یک جریان را بر اساس حضور و نقش واقعی اش در زندگی و سیاست ارزیابی میکنند. پس بهتر است اسم ما منعکس کننده حقیقت ما باشد.

— رابطه حزب کارگری و طبقه کارکر یک موضوع سیاسی و اجتماعی است. در صحنه سیاست ایران ما نماینده کارگر و سوسیالیسم هستیم. اینرا در برنامه مان، سیاستهایمان و عملکردهمان میتوانم نشان داد. هم اکنون اگر در ایران فضای باز سیاسی مهیا شود بخش وسیعی از جامعه و بیش از همه کارگران به این حزب خواهند پیوست. البته ما منتظر نمی شویم تا این فضای باز سیاسی را کسی به ما هدیه کند. همین الان میکوشیم به طرق مختلف خودمان را در دسترس توده های وسیع گلناریم و بعنوان یک آلترناتیو قدرت و رهبر مبارزه جامعه رای پیش پا برداشتن جمهوری اسلامی مطرح کنیم. خود تشکیل دولت (جمهوری سوسیالیستی) یک مرحله و یک ابزار تعیین کننده در بسیج توده های وسیع یک طبقه در پشت سر حزب سیاسی شان است. دقت کنید که در طول تاریخ توده های طبقه کارگر بیشتر پشت سر آن ابزار سیاسی بورژوایی بسیج شده اند که قادر بوده اند زندگی ای قدری آسانتر و بهتر برای آنها فراهم کنند و یا حتی چنین توهمی را در بین کارگران دامن زده اند. ما اینبار میخواهیم یک انتخاب واقعی برای طبقه کارکر و توده های وسیع فراهم کنیم که پشت سر حزب واقعی خودشان و برای گرفتن سرنوشت خویش بدست خودشان بسیج شوند. در این راه هرکس قدم جلو بنگارد به جنبش ما و حزب ما تعلق دارد.

— در مورد صنعتی بودن ایران، قبلا از آنکه تعداد کارخانه ها را بشماریم، آتهم در یک شهر درجه ۲ یا ۳، باید پرسید که تولید در کل جامعه ایران بر چه مبنایی صورت میگیرد؟ در مبنای اقتصاد بسته دهقانی؟ و دولتی؟ بر مبنای سرمایه داری دوری مانوفاکتوری؟ یا بر مبنای سرمایه داری جهانی قرن بیست و یکم؟ واضح است که این آخری است. اینکه خود ایران حالا چقدر صنعت دارد فاکتور ثانوی است. حتی در همان روستاهای دور افتاده هم مردم برنج پاکستانی میسوزند و پیراهن تنگ کسی که تن میکنند و خرید و فروش تیروی کار حاکم است و تنها راه بقای این جوامع برت مانده هم اینست که در این اقتصاد مدرن حاکم بر تمام دنیا حل شوند. اما درجه صنعتی بودن ایران نیز با سرمایه داری نظیر ترکیه و مصر و کشورهای آمریکای لاتین قابل قیاس است. و دیگر اینکه، بخش اعظم و بیش تعیین کننده ایران اتفاقا حول شهرهای اصلی صنعتی نظیر تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، اهواز و غیره زندگی میکنند. سرنوشت ایران را این مراکز تعیین خواهد کرد و نه گوشه ای که بنا به هر دلیل از چرخه تحولات اجتماعی باز مانده است.

— عضویت در حزب دواطلبانه است. کافست که بخواهید عضو شوید. شرایط شما از اینجهت تغییر میکند که شما با ابتکار خودتان در ارتباط نزدیکتر با حزب قرار میگیرد و سیاست های عمومی حزب را پیش میبیرد. در این مقطع سیاست سازمانی ما ایجاد تشکیلات هرمی در داخل ایران نیست. اعضا و فعالین حزب در داخل ایران بطور مستقیم با مرکزیت حزب در خارج وصل هستند. ما کسی را به کسی در داخل وصل نمی کنیم و کمیته و واحد های رسمی حزب را ایجاد نمی کنیم. همه اینها هم صرفا به خاطر شرایط ناشی از اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی است. اما همه فعالین و اعضا و دستانداران خود را با سازمان جوانان کمونیست) را تشویق میکنیم که در محیط پیرامون خود فعال باشند و در انواع و اقسام شکل های توده ای شرکت کنند و یا آنها را ایجاد کنند.

— بالاخره قسمت پایانی نامه تان برای من تکان دهنده بود. شخصا (بعنوان فردی از شما از ۳۰ خرداد چشیده) احساس شما را درک میکنم. اما باز تصویری که شما به پرده تصمیم گیری خودتان ارائه دادید، مرا بشدت متاثر کرد. طبعاً وقتی رژیم هر چه و جنایتکاری می کند جمهوری اسلامی حاکم باشد، انتظار دیگری نمی توان داشت. اما به نظر من اینگونه تصاویر به ما تحمیل میشود. ذاتی ما نیست و نباید باشد. ما جنبشی هستیم که میخواهیم زندگی بشر را تغییر دهیم. بقول یکی از دوستان جوان ما که قبلا در همین نشریه با او مصاحبه کردیم (فواد برومند) جنبش ما جنبشی است که مبارزه را برای زندگی میخواهد و نه زندگی را برای مبارزه. باید روی این وجه اثباتی جنبش مان و اینکه چگونه میخواهد این جهان راویژه را درست کند، تصمیم بگیرید. عمیقآ آرزو میکنم هیچگاه، حتی در خیال، با آن تفنگهای لعنتی روبرو نشوید.

با ارادت مطمئی ما.بر

لینک

پس رابرت کجاست؟

آدم نصفه نیمه

<http://semiadam.blogspot.com>

یه بار همین چند روز پیشا جورج دبلیو بوش میره توی یه مدرسه آمریکایی بازدید. میره تو یه کلاسی و آخر سر میگه که اگه کسی سوالی داره ازش پیرسه. یکی از بچه ها پا میشه و میگه:

— آقای رئیس جمهور، من اسم رابرت هست و سه تا سوال دارم.

— پیرس عزیزم!

— سوال اولم اینه که به نظر شما اقدامات اخیر آمریکا علیه عراق جنایتکارانه نیست؟

سوال دوم اینه که چه رابطه ای بین بن لادن و سازمان جاسوسی آمریکا وجود داره؟ و سوال سوم هم اینه که به نظر شما مبارزات اتمی هیروشیما فجع ترین حادثه تروریستی تاریخ نبوده؟

بوشی میگه که:

— باشه عزیزم، الان به سوالات جواب میدم!

و در همین لحظه زنگ میخوره و آقای رییس جمهور پاسخ دادن به سوالات رو به ساعت بعد موکول میکنه. ساعت بعد یکی از بچه ها پا میشه و میگه:

— آقای رییس جمهور من اسمم جو هست و ازتون پنج تا سوال دارم.

— بگو عزیزم.

— سوال اولم اینه که به نظر شما اقدامات اخیر آمریکا علیه عراق جنایتکارانه نیست؟ سوال دوم اینه که چه رابطه ای بین بن لادن و سازمان جاسوسی آمریکا



نادر بکتاش

وجود داره؟ سوال سوم اینه که به نظر شما مبارزات اتمی هیروشیما فجع ترین حادثه تروریستی تاریخ نبوده؟ سوال چهارم اینه که چرا زنگ پیش ۲۰ دقیقه زود خورد؟! و سوال پنجم هم اینه که پس رابرت کجاست؟

وب، سینما، زندگی، کجاست امنیت؟

پادساعت گرد

<http://weblog.macsudi.com>

روزگار غریبی است. نمی دانم چکار می توان کرد و امنیت داشت؟ وقتی دیروز دوستانم تماس می گرفتند و با نگرانی از خودم و دفتر سایت می پرسیدند، خبر را نشنیده بودم. نمی دانستم یک سینما نویس دیگر هم بازداشت شده و دفتر یک سایت سینمایی تفتیش.

دور و برمان همه نگرانند. انگار همه مان خلافکاریم. معلوم نیست یک سایت "سینمایی" چه می تواند در خود داشته باشد. همه به می سفارش می کنند که مواظب باشید بیهانه دست "کسی" ندهید. ولی هیچکدامان نمی دانیم باید مواظب چه باشیم، کدام کارمان می تواند بیهانه دست "کسی" بدهد.

کاش یکی پیدا بشود بیاید حالیمان کند وب و سینما چه ارتباطی به سیاست دارند. کاش یکی پیدا بشود بیاید حالیمان بکند حظور می توانیم زندگی کنیم و هیچ نخواستیم و هیچ مان هم ندهند، اما تنها امنیت داشته باشیم.

این افکار آخرعاقبت نذاره!

ما چگونه ما شدیم؟

<http://chegoneh.blogspot.com>

نمی بینم چرا مسلمان شدم که این همه مشکلات داشته باشم؟ چرا باید چیزهایی رو بخونم که حق هستند و ترس از پذیرفتن آنها تنم رو می لرزاند! چگونه بگویم محمد، علی، فاطمه و حسین و ... واقعت ندارد! چگونه بگویم اینها رو قبول ندارم! چرا این طوری شد؟ چرا؟! چرا!!!!!!!!!!!!!!!!!!!! در محرم امسال صحنه هایی دیدم که تا به حال میشنیدم (و باور نمی کردم) ولی امسال دیدم! این روزها با خودم خیلی کلنجار می روم، اصلا به نظرم این افکار آخرعاقبت نذاره! بهتره به زندگیمون بچسبیم و بیخیال این حرفها بشیم. بعضی وقتها به خودم میگم چرا دنبال این صحبتها می روم که این جور زود حال بخورم! آقا بی طرفی بهترین کار هست، حزب باد هم نیستیم. اصلا بابا بی غی-غی-غی! شعی از حافظ خواندم بد نیست شما هم بخوانید!

مبوس جز لب معشوق و جام می، حافظ که دست زده فروشان، خطاست بوسیدن

ماتریالیست هم داریم!

اژدهای شکلاتی

<http://drag.blogspot.com>

همونطور که قبلا هم گفتیم ما تو

فامیلا و دوستای مامانم اقلیت مذهبی زیاد داریم. پریشب منزل به آقای دکتر کلیمی دعوت داشتیم. معمولا خونه ایشان از همه مذاهب دعوت میشن و همه دور هم لحظات خوبی رو می گذرونیم. این دفعه خانواده زرتشتی این جمع مسافرت بودن و غایب. خانم مسلمونی که با دوستشون تازه به این جمع اومده بودن کنجکاری زیادی در مورد مذاهب دیگه داشت. مرتب می پرسید که شما بهداشت هم دارید؟ پسرا رو ختنه هم می کنید؟ خدا رو جسم می دونید یا روح؟ من تو مسجد شنیدم که کلیمی ها میگن بین دو گوش خدا ۲۰ کیلومتر فاصله هست. چرا به روح اعتقاد ندارید؟ سوالات بیشمار دیگه!! تمام این مسائل برای جمع همیشگی حله و همیشه حرف از نقاط مشترک! ولی این خانم هیچ ملاحظه نداشت تا اینکه صاحبخونه مجبور شد بره کتاب مقدسون رو بیاره و هر چی از روش میخوند (ترجمه فارسی)، خانم مسلمون میگفت اه... ما هم که همینو میگییم ... همه گفتن حرف تموم مذاهب تقریبا یکیه ... دوست مامانم مادام رنه گفت بین الان تو جمع ما چهار مذهبیم: مسیحی، مسلمون، کلیمی و بهایی. ولی هیچ وقت مشکلی با هم نداریم ... من که اون دور داشتم با یه دختر بهایی حرف میزدم و راجع به دانشگاهی که تو خونه تشکیل میدن سوال میکردم با شنیدن این حرف بلند گفتم: مادام چرا ۲

مذهب، ۵ تا! مادام گفت دکتر جمشید (زرتشتی) که امروز اینجا نیست! گفتیم لامذهبی هم خودش به مذهبیه. دو سه تا تو این جمع ماتریالیستن. هر چی خانم مسلمونه گفت کی، نگفتم. گفتن تفتیش عقاید بنده.

برایمان بنویسید.
- دوستان عزیز محفل نادر، با تشکر نامهای شما به دستمان رسید. نامه جاگانهای برایتان ارسال شد. با ما در تماس منظم باشید.
- دوستان عزیز MJ نامهای متعدد شما به دستمان رسید. نامه های جداگانهای برایتان ارسال شد. ممنون.
- دوست عزیز روزنامه نگاری که با مصطفی صابر تماس گرفته اید، از تمایل تان برای همکاری با نشریه استقبال میکنیم و منتظر مطالب شما هستیم.
- دوست عزیز صبا از تهران. نامه های شما به دستمان رسید. نامه جداگانهای برایتان ارسال شد. با ما در تماس باشید.
- دوست عزیز حسین از تهران. نامه های برایتان ارسال شد. حتما با ما تماس بگیرید.

با شما تماس خواهد گرفت. باز هم برایمان بنویس.
- دوست عزیز آزاد حمیدی از ترکیه، آدرسهایی که برایمان فرستادی به دستمان رسیدند. ممنون و حتما به این کارت ادامه بده. سعی کن که همه رفقا را تشویق به این کار بکنی. ممنون و باز هم برایمان بنویس.
- بهار امیدوار عزیز، بسیار ممنون از کامنت هایت در مورد نشریه. لطف کن و مرتب این کار را انجام بده.
- پیمان عزیزم از ایران، سازمان جوانان کمونیست و نشریه آن متعلق به همه جوانانی است که جهانی آزاد و برابر را میخواهند. حتما نظراتت در مورد این سازمان و این نشریه را برایمان بنویس. ممنون
- دوست عزیز فریاد، فریاد، نامه های شما به دستمان رسید. ممنون و باز هم

گروه و خنده، مذهب و قدرت

<http://aaab.blogspot.com>

شنیدین که میگن خنده کنان می رود روز جزا در بهشت — هر که کند به دنیا گریه برای حسین

این هسنه مراسم عاشورا رو تشکیل می ده. یعنی گذشته از اون قسمت غیرصادقانش، که افراد برای خوشگذرانی و یا سرگرمی وارد هیئت ها میشن، ۹۰٪ جنبه صادقانش همینه. یعنی سیستم مذهبی میخواد با حضور بیشتر مردم قدرت بگیره، دلشون میخواد خیلی راحت گناهانشون پخشید بشه، پس چند روز در سال از این کارا میکنند.

دمکراسی دینی یا آسمون ریسمون؟

دمکراسی اسلامی؟ ادیان مثل اسلام حق قانونگذاری رو متعلق به خدا و جانشینهای او می دونن، در حالیکه دمکراسی قانونگذاری رو حق مردم میدونه. این خیلی چیز ساده ای و برای سبیل کردنش باید خیلی آسمون ریسمون بافت.

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هر روز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

- 0045 51 80 26 10
- 0044 776 110 66 83
- 0049 179 74 30 908
- 0046 736 50 80 40
- 001 416 688 5572
- 00905552048603
- 0046 70 48 68 647
- 0049 174 944 02 01
- 001- 416 434 15 45
- fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

- دانمارک: شیوا فرمند
- انگلستان: سرور ملائکه
- آلمان: امید چوری
- سوئد: آزاد خدری
- کانادا: مهدی شهابی
- ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
- دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی
- مشاور دبیر: ثریا شهابی
- آدرس پستی: Jawanan Postfach 620 515

10795 Berlin Germany

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com
Tel: 001 604 730 5566

- www.jawanan.org
- www.m-hekmat.com
- www.rowzane.com
- www.hambastegi.org
- www.medusa2000.com
- www.wpiran.org
- www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: